

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه ی قدر

استاد ضرابی بهمن ۱۳۹۹

جلسه سوم ۹۹/۱۱/۶

آیات شریفه : «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ - و چه چیز تو را دانا کرد که بدانی شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است (۳) در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند »

عنوان : شرف المكان بالمکین

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»: این استفهام انکاری معنایش این است که خداوند راهی برای بشر قرار نداده است تا بفهمد که شب قدر چیست مگر آن که خداوند خود بگوید و پرده از اسرار شب قدر بردارد؛ از این رو بعد از آنکه انسان را با این سؤال به جایگاه فقر و نیازش متوجه می‌سازد، از سر رحمت بی‌منتهايش به معرفی شب قدر می‌پردازد . اولین امتیازی که برای شب قدر می‌شمارد برتری آن از هزار شب است.

« لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ » با توجه به روایاتی که درباره شب قدر با یکدیگر مرور کردیم این نکته روشن شد که زمان فی حدّ نفسه خصوصیتی ندارد بلکه این انسان، وقایع و حوادث است که به مکان و زمان ارزش و شرافت می‌بخشند. از این رو گفته می‌شود: «شرف المكان بالمکین» ارزش هر جایگاه به کسی است که در آن قرار گرفته است.

منزلت و جایگاه شب قدر در بیان امام صادق (ع) میان دو چیز رقم خورده است: « ليله و قدر » فرمود: - إنه قال: « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ » اللَّيْلَةُ: فاطمة والقدر: اللَّهُ. فمن عرف فاطمة حق معرفتها، فقد ادرك ليلة القدر... - مراد از «الليلة»، حضرت فاطمه است. و مراد از «القدر»، الله است. پس هر کس که فاطمه و مقام ایشان، را به حقیقت بشناسد، حتماً شب قدر را درک کرده است. ... «.(تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۱ - ۵۸۲)

ای شکوهت فراتر از باور ای مقامت فراتر از ادراک
وصف تو درک ليله القدر است فهم ما از تبار «ما ادراک».

عنوان : زهرای مرضیه(س) مادر اهل ایمان

در روایت امام صادق(علیه السلام) توضیح داده شده که: « لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، یعنی: خیر من ألف مؤمن و هی أم المؤمنین - ليلة القدر، بهتر از هزار ماه است، یعنی، بهتر از هزار مؤمن است و آن نیز ام المؤمنین حضرت زهرا (س) می باشد. »

ایمان خلاصه در تو و مهر تو می شود مکه تویی، مدینه تویی، کربلا تویی.

اگر پرسیده شود چگونه این مقایسه درست در می آید یعنی مقایسه مؤمن با «شهر» و مقایسه صدیقه طاهره با «ليلة القدر» ؟ وقتی قرار است شرافت زمان به مظروف آن از قبیل انسان، حوادث، وقایع و دیگر امور باشد، باید در ظرف «شهر» عبادت خالصانه ای را که اساس و بنیاد ایمان را در فرد شکل می دهد (ارتباط صمیمانه با محبوب حقیقی یا اندیشه و تفکر در امر خداوند که قلب را به تصدیق و اعتراف صادقانه وا دارد یا جهاد به مال و جان در راه خدا و هر چه عبادت خوانده می شود) را در نظر آورد که استمرار شب ها و روز هایش به مدت یک ماه، از ولادت ایمان و تولد مؤمنی خبر می دهد که مادرش خود «ليلة القدر» و بهتر از هزار ماه است.

حالا اگر بپرسی در لیلۃ قدر چه خبر است؟ از آنجا که فرمود «القدر: الله». قدر خداوند است؛ یعنی اراده و مشیت ذات مقدس خدای تعالی؛ پس «لیلۃ» که صدیقه طاهره بود مظلوف می‌شود و «اراده و مشیت ذات الهی» می‌شود قضا و قدر که خداوند برای مؤمنین و مؤمنات تعیین فرموده است.

حامل سرّ مستمرّ، حافظ غیب مستترّ دانش او احاطه بر، دانش ما سوا کند

بضعه ی سید بشر، امّ ائمّه غرر کیست جز او که همسری، با شه لا فقی کند؟

عنوان : مقام اهل معرفت و عالمان ربّانی

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» در روایت امام صادق (علیه السلام) ملائکه و روح به مؤمنین و فاطمه (سلام الله علیها) تطبیق داده شده است: «و الملائكة: المؤمنون الذين يملكون علم آل محمد(ص) و الروح القدس: هي فاطمة - مراد از ملائکه، مؤمنان عالم به علوم آل محمد(ص) و مراد از روح یا روح القدس همانا، فاطمه است.»

می‌پرسی که چرا «ملائکه» تنها به مؤمنینی تطبیق داده شده است که عالم‌اند به علوم آل محمد(ص)؟

سرّش سنخیت و اتحاد روح لطیف اهل معرفت از عالمان ربّانی است. ملائکه خدا در عالم روح مؤمنین سمت لشکریان و قوای باطنی را دارند همان‌گونه که در بدن دنیایی قوای مختلف در بدن تحت امر و اراده نفس عمل می‌کنند. یعنی همان نقشی را ایفا می‌کنند (ارتباطات و پیام رسانی) که در عالم بدن شبکه‌های اعصاب ایفا می‌کنند یا مثلاً رابطه‌های الکتریکی موجود در غدد مغزی و سایر اعضا. اما این تنها یک تشبیه است برای تقریب به ذهن چرا که نسبت توانمندیهای موجود در ملائکه با رابطه‌ها در بدن قابل مقایسه نیستند.

امام سجاد(ع) فرمود: «طَالِبُ الْعِلْمِ تَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَدْعُو لَهُ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ - فرشتگان برای جویای دانش طلب مغفرت می‌کنند و در آسمان و زمین برایش دعا می‌کنند. امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّ جَمِيعَ دَوَابِّ الْأَرْضِ لَتُصَلِّيَ عَلَى

طَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى الْحَيَاتَانِ فِي الْبَحْرِ - همه جنبندگان زمین و حتی ماهیان دریا بر طالب علم و دانش درود و صلوات می فرستند.» (بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۷۳ باب ۱)

«مَنْ تَعَلَّمَ وَ عَمِلَ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيماً فَقِيلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ - هر کس چیزی یاد بگیرد و به آن عمل کند و آن را به دیگران بیاموزد در ملکوت آسمان ها از او به بزرگی یاد می شود و گفته می شود : این فرد برای خدا یاد گرفت و عمل کرد و یاد داد.» (بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۷ باب ۹)

بسمله ی صحیفه ی، فضل و کمال و معرفت بلکه گهی تجلی از، نقطه ی تحت «با» کند

دائرة شهود را، نقطه ی مُلتَقی بُود بلکه سِرَد که دعوی، لَوْ كُشِفَ الْغِطَا كُنْد

عنوان : انسان کامل جان و حقیقت ملائکه

در روایت امام صادق (علیه السلام) آمده است که : «و الروح القدس هی فاطمه - مراد از روح یا روح القدس همانا، فاطمه است.» سؤالی که مطرح می شود این است که در همین روایت صدیقه طاهره « لیلۃ » خوانده شده است و اکنون چگونه می تواند روح القدس باشد؟

در قرآن کریم می خوانیم: «يُنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» خداوند فرشتگان را به سبب روح (الهی) به فرمانش بر هر کس از بندگان بخواند نازل می کند...» (نحل/ ۲)

تعبیر « روح » در قرآن کریم گاهی بر روح القدس و گاهی بر حقیقه الانسان صادق است که با قرائن موجود در آیه فهمیده می شود که مقصود کدام است. در این آیه شریفه که خداوند ملائکه را به سبب روح نازل می فرماید (چنانچه «باء» در «بالروح» سببیت معنا شود) در این صورت بر حقیقه الانسان صادق است و روح القدس از ملائکه محسوب می شود. و مانند این آیه شریفه: «اذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ اِذْ أُيِّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ - (ای پیغمبر، مردم را متذکر گردان) آن گاه که خدا گفت: ای عیسی مریم: به خاطر آر

نعمتی را که به تو و مادرت عطا کردم آن گاه که تو را به تأیید روح قدسی توانا ساختم.» (مائده/۱۰)

انوار مقدسه پیامبر(ص) و اهل بیت طاهرینش(علیهم السلام) در اصل حقیقت انسان کامل، متحد و مشترکند با یکدیگرند و نه تنها ملائکه بلکه همه عالم امکان در ولایت تکوینی تحت امر آنها هستند. بنابراین صدیقه طاهره، حقیقت و جان ملائکه بویژه اعظم ملائکه محسوب می شوند. مخفی نماند که این بیان درباره آن حضرت منافاتی با مقام مولای متقیان و منزلت پیامبر اسلام (صلوات الله علیهم اجمعین) ندارد. که انشاءالله در مجال دیگری به آن خواهیم پرداخت.

ناطقه مرا مگر، روح قُدس کند مدد تا که ثنای حضرت، سیده نسا کند

مطلع نور ایزدی، مبدأ فیض سرمدی جلوه او حکایت از، خاتم انبیا کند